

رالز - حکیمی

(پروسی تطبیقی و نقد معیارها)

و ابعاد عدالت اقتصادی

در اندیشه جان رالز و محمد رضا حکیمی

محمد رضا آرمان مهر



والز - حکیمی

مؤلف: محمدرضا آرمان مهر

ویراستار علمی: دکتر یدالله دادگر (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۶۷۶-۷

تلفن و تماس: ۷۷۴۴۹۸۸-۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

آدرس: قم، صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

info@Dalilema.com

WWW.Dalilema.com (برای دریافت از طریق سایت امکان پذیر است)



مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائییه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- ۲) تهران، خیابان انقلاب، خ فخرآزادی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۴۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵-۲۲۳۷۱۱۳

سرشناسه: آرمان مهر، محمدرضا، ۱۳۵۶ -

عنوان و پدیدآور: رالز - حکیمی: بررسی تطبیقی و نقد معیارها و ابعاد عدالت

اقتصادی در اندیشه جان رالز و محمدرضا حکیمی / محمدرضا

آرمان مهر؛ ویراستار علمی یدالله دادگر.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.

شابک: 978 - 964 - 397 - 676 - 7

یادداشت: فیبا

موضوع: رالز، جان، ۱۹۲۱ - ۲۰۰۲ م -- نظریه درباره عدالت

موضوع: رالز، جان، ۱۹۲۱ - ۲۰۰۲ م -- نظریه درباره عدالت اجتماعی

موضوع: حکیمی، محمدرضا، ۱۳۱۴ - -- نظریه درباره عدالت

موضوع: عدالت

موضوع: عدالت اجتماعی

شناسه افزوده: دادگر، یدالله، ۱۳۳۴ -، ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ر ۲ / ۵۷۸ JC

شماره رده دیویی: ۳۲۰ / ۰۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۸۳۴۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳

فصل اول: تبیین جایگاه رالز و حکیمی / ۱۹

۱.۱. سیری کوتاه در تاریخ تحولات اندیشه عدالت اقتصادی.....	۱۹
۱.۲. تبیین جایگاه و آثار رالز.....	۳۵
۱.۳. سیری کوتاه در تاریخ تحولات اندیشه عدالت اقتصادی در اسلام.....	۴۷
۱.۴. تبیین جایگاه و آثار حکیمی.....	۵۵
۱.۵. جمع‌بندی.....	۵۷

فصل دوم: روش‌شناسی رالز و حکیمی / ۶۳

۲.۱. روش‌شناسی رالز.....	۶۳
۲.۱.۱. قراردادگرایی.....	۶۴
۲.۱.۲. فرایند موازنه فکری.....	۸۱
۲.۱.۳. نقد روش‌شناسی رالز.....	۸۲
۲.۲. روش‌شناسی حکیمی.....	۹۳

۹۴	۲.۲.۱. جدایی فلسفه، عرفان و دین
۹۹	۲.۲.۲. برتری و اصالت شناخت دینی
۹۹	۲.۲.۳. استناد شناخت دینی به قرآن و حدیث (اجتهاد و مرجعیت)
۱۰۶	۲.۲.۴. اتکا به ظاهر آیات و روایات (با فهم عقلی)
۱۰۶	۲.۲.۵. رد هرگونه تاویل
۱۰۶	۲.۲.۶. نقد روش شناسی حکیمی
۱۰۹	۲.۳. جمع بندی

فصل سوم: مبانی نظری معیار عدالت رالز و حکیمی / ۱۱۳

۱۱۳	۳.۱. مبانی نظری معیار عدالت رالز
۱۱۳	۳.۱.۱. تعریف، جایگاه و قلمرو عدالت
۱۱۴	۳.۱.۲. اصول عدالت
۱۱۴	اصل اول - اصل آزادی
۱۱۷	اصل دوم - اصل تفاوت (تمایز)
۱۳۲	۳.۱.۳. رالز و نظام های اقتصادی و غایت نظام عادلانه او
۱۳۴	۳.۱.۴. نهادهای مدل رالز
۱۳۸	۳.۱.۵. نقد مبانی نظری رالز
۱۴۵	۳.۲. مبانی نظری معیار عدالت اقتصادی حکیمی
۱۴۵	۳.۲.۱. اصالت اقتصاد در اسلام
۱۴۶	۳.۲.۲. غایت نظام اقتصادی حکیمی: اصل اساسی مساوات
۱۵۰	۱. اصل عدالت و توازن اقتصادی
۱۶۴	۲. اصل احسان و هماهنگی معیشت ها
۱۶۵	۳. اصل برادری و موااسات اسلامی
۱۶۷	۴. اصل تعمیم امکانات معیشتی
۱۶۹	۵. اصل قوامیت و اعتدال مالی

۱۸۷	۶. اصل کرامت انسانی
۱۸۸	۷. اصل تساوی در آفرینش
۱۸۸	۸. اصل توحید
۱۸۸	۳.۲.۳. نهادهای مدل حکیمی
۱۹۰	۳.۲.۴. نقد مبانی نظری حکیمی
۱۹۵	۳.۳. نحوه تعامل نهادهای مدل رالز و حکیمی
۱۹۵	۳.۳.۱. کلیاتی درباره تابع رفاه اجتماعی
۱۹۷	۳.۳.۲. معیارهای بهبود رفاه
۲۰۱	۳.۳.۳. عدالت اجتماعی و بهینه اجتماعی
۲۰۴	۳.۳.۴. مثال‌هایی از توابع رفاه اجتماعی
۲۱۹	۳.۴. جمع‌بندی

فصل چهارم: امکان سنجی عملیاتی کردن مدل / ۲۲۹

۲۲۹	۴.۱. امکان سنجی عملیاتی کردن مدل عدالت رالز
۲۲۹	۴.۱.۱. نحوه عملیاتی شدن اصول عدالت
۲۳۶	۴.۱.۲. نظام مناسب برای عملیاتی کردن اصول عدالت
۲۳۸	۴.۱.۳. نقد نظریه رالز از بعد انسجام بیرونی
۲۴۳	۴.۲. امکان سنجی عملیاتی کردن مدل عدالت حکیمی
۲۴۳	۴.۲.۱. امکان عملیاتی کردن عدالت اقتصادی
۲۴۵	۴.۲.۲. اقدامات جهت عملیاتی کردن نظریه عدالت
۲۶۳	۴.۲.۳. نقد نظریه حکیمی از بعد انسجام بیرونی
۲۶۵	۴.۳. جمع‌بندی
۲۶۹	نتیجه‌گیری
۲۷۵	منابع و مأخذ
۲۸۷	پیوست‌ها

فهرست نمودارها و جداول

- نمودار (۳.۱) اشکال مطلوبیت‌گرایان بر رالز ۱۲۲
- نمودار (۳.۲) اصل تفاوت و قاعده بیشینه کمینه ۱۲۳
- نمودار (۳.۳) معیار کارایی پارتو ۱۹۸
- نمودار (۳.۴): معیار کلدور با عدم وجود نقطه مشترک در مطلوبیت دو شخص ۱۹۹
- نمودار (۳.۵): معیار کلدور با وجود نقطه مشترک در مطلوبیت دو شخص ۲۰۰
- نمودار (۳.۶) بیشینه رفاه در تلاقی منحنی‌های امکانات مطلوبیت و رفاه یکسان ۲۰۴
- نمودار (۳.۷) توابع رفاه اجتماعی مطلوبیت‌گرایان ۲۰۵
- نمودار (۳.۸): بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی در توابع رفاه مطلوبیت‌گرایی ۲۰۶
- نمودار (۳.۹): فرض یکسان بودن مطلوبیت‌های نهایی دو فرد ۲۰۸
- نمودار (۳.۱۰): فرض تفاوت مطلوبیت‌های نهایی دو فرد ۲۰۹
- نمودار (۳.۱۱): تقسیم درآمد بر اساس مطلوبیت‌گرایی ۲۱۰
- نمودار (۳.۱۲): حالت تشابه نتیجه مطلوبیت‌گرایی و تساویری ۲۱۰
- نمودار (۳.۱۳): توابع رفاه اجتماعی ۲۱۲
- نمودار (۳.۱۴): نقطه تعادلی در تابع رفاه حکیمی در دو حالت عادی و آرمانی ۲۱۴
- نمودار (۳.۱۵): نقاط تعادلی در حالات مختلف تابع رفاه ۲۱۶
- نمودار (۳.۱۶): نقاط تعادلی در حالات مختلف تابع رفاه اجتماعی ۲۱۷
- نمودار (۴.۱) مقیاس آتکینسون ۲۳۲
- نمودار (۴.۲): نرخ مناسب مالیاتی در معیار عدالت رالز و حکیمی ۲۶۷
- جدول (۳.۱): مثالی درباره قاعده بیشینه کمینه ۱۲۶
- جدول (۳.۲): مثالی درباره قاعده بیشینه کمینه ۱۲۷
- جدول (۳.۳): چهار نوع نظام ممکن بر اساس حالات اصل دوم ۱۳۳

پیشگفتار

عدالت موضوعی است که دغدغه فکری بسیاری از متفکران در گذر اعصار بوده است. عدالت به طور کلی و عدالت اقتصادی به طور خاص از مقوله‌های مهم و در عین حال بحث‌انگیز است. هم مکاتب و ایدئولوژی‌ها و هم ادیان و احزاب و شخصیت‌های علمی در این رابطه اظهار نظر می‌کنند. هم دغدغه سیاست‌گذاران است و هم مورد توجه صاحب‌نظران اقتصادی، هم بحث‌های تئوریک مهمی را پوشش می‌دهد و هم پیامدهای سیاست‌گذاری قابل توجهی دارد. این پژوهش وظیفه دارد با روش تحلیلی-توصیفی و با کمک استنادات کتابخانه‌ای به کنکاش در این رابطه مبادرت ورزد. تکیه اصلی پژوهش بر تبیین دیدگاه دو تن از متفکران معاصری است که سهم قابل توجهی در گسترش ادبیات عدالت اقتصادی داشته‌اند و مجموعه ارزشمندی در این رابطه فراهم نموده‌اند که این دو متفکر جان رالز و محمد رضا حکیمی هستند. شاید بتوان رالز را نماینده یک نظام عدالت غیرمذهبی دانست و حکیمی را نمونه‌ای از طراحان نظام عدالت دینی قلمداد نمود. در ضمن هر دوی آنها را نیز در قالب اندیشه تساوی‌گرایی می‌توان گنجانید. این موارد، مقایسه آنها را در این کتاب معنادار می‌کند.

از جمله نظریات عدالت در دوره حاضر، نظریه عدالت رالز است که در آن اصول عدالت با قدرت عقلانی افراد در یک وضعیت اولیه طراحی می‌شود. در اندیشه

حکیمی، با وجود پذیرش تحول در تعقل و اندیشه بشری، موضوع عدالت آنقدر با اهمیت تلقی می‌شود که برای شناخت آن و کشف قواعد آن از رجوع به تعالیم و حیانی‌گریزی نیست، به دیگر سخن هرچند بشر در دوران پسامدرنیته به سر می‌برد اما با گذر زمان، نیاز به آموزه‌های و حیانی، به ویژه در کشف قوانین و اصول عادلانه بیشتر احساس می‌شود، و این تعالیم و حیانی است که بر فراورده‌های عقلانی حکومت می‌کند، نه عکس آن. از این رو در نگرش او باید ارزش دینی عدالت را از نو شناخت، به خصوص در دین توحیدی اسلام، که در تعالیم آن فقر و بیچاره‌گی عده‌ای به سبب تجاوز، حق‌کشی و ستم عده‌ای دیگر نسبت داده شده است.

رالز از جمله متفکرین معاصر غرب است که نظریه «عدالت به مثابه انصاف» را در جهت سازش «آزادی» و «برابری» طرح کرد. ادعای وی آن است که در اصول عدالت پیشنهادی او، عدالت به عنوان والاترین فضیلت اجتماعی، متناسب با سنت تفکر لیبرالی غرب متبلور شده است، و داورى در رابطه با عادلانه بودن نهادهای اصلی جامعه که روابط اقتصادی از جمله آنها است باید بر اساس تناسب آنها با اصول پیشنهادی او صورت گیرد. در مقابل، حکیمی از جمله متفکران مسلمان معاصر است که با تکیه بر آموزه‌های دینی در صدد کمک به حل مشکل عدالت اجتماعی است، دغدغه اصلی وی عدالت اقتصادی است. و شاید مناسب باشد نظریه او را با توجه به روش‌شناسی وی «عدالت به مثابه ارزش دینی» و یا با توجه به غایت مساوات طلبانه او «عدالت به مثابه مساوات» نام نهاد.

ممکن است خواننده احساس کند که موضوع کتاب به ویژه در بخش‌های مربوط به رالز تا حدی از تحلیل اقتصادی دور شده و به مسائل سیاسی - فلسفی نزدیک شده است، لازم به ذکر است که با توجه به گرایش اصلی رالز که فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی بوده است، و لزوم پرداختن به مبانی فکری او، این امر غیر قابل اجتناب می‌نمود.^(۱) جهت پرداختن بیشتر به نگرش حکیمی، از آوردن متن عربی آیات

۱. و آنگهی مطالعات اقتصادی با توجه به مبانی و پایه‌ها و اصول موضوعه بطور طبیعی به فلسفه مربوط می‌شوند.

و روایات -بجز موارد ضروری- که در آثار وی اهمیت دارد، خودداری شده است، علاقمندان می‌توانند به خود آثار مراجعه کنند، از این رو بیشتر به ترجمه فارسی آیه و روایت یا مفهوم آن با ذکر منبع اکتفا شده است. با توجه به الگوی درهم‌تنیده و به هم پیوسته و در عین حال هماهنگ نهادها در الگوی حکیمی، دشواری کار در آثار وی، یافتن ریشه‌های مبانی فکری وی بود. نگارنده وقتی فصل ۵ «الحیة» را مطالعه می‌کرد، ملاحظه کرد که وی ۲۲ اصل در تأیید اصل مساوات آورده است، که می‌تواند مبنایی اساسی برای ارائه اصول وی باشد، از این رو سایر آثار حکیمی را در چارچوب این ۲۲ اصل تنظیم کرد، در مرحله بعد، اصول مورد تأکید وی به صورت فشرده و در قالب ۸ اصل خلاصه شد.

فصل اول این پژوهش به تبیین جایگاه رالز و حکیمی در بین نظریه‌پردازان عدالت اقتصادی و تفاوت دیدگاه این دو اندیشمند با جریان اصلی^(۱) مربوط می‌پردازد. فصل دوم به روش‌شناسی این دو متفکر اختصاص دارد. فصل سوم به بررسی محتوای اصول عدالتی که به آن رسیده‌اند و مدل عدالت اقتصادی که ارائه کرده‌اند، اختصاص دارد. و سرانجام در فصل چهارم امکان‌سنجی عملیاتی شدن نظریات عدالت آنها مورد تحقیق قرار می‌گیرد. در ضمن از آنجاکه در هر فصل به طور مجزا به نگرش رالز و حکیمی و به نوعی «مقایسه دور» پرداخته شده است، در انتهای هر فصل بخشی با عنوان «جمع‌بندی» آورده شده است، که هدف کلی از آن دو چیز است: ارائه نوعی خلاصه از مطالب فصل و همچنین «مقایسه نزدیک» نظریات این دو متفکر.

لازم می‌دانم از کلیه دوستانی که در انتشار این اثر همکاری داشته‌اند، و نمی‌توان همه را فهرست کرد، تشکر کنم. از آنجاکه این پژوهش در واقع ویرایشی نو بر پایان‌نامه کارشناسی ارشد اینجانب در دانشگاه مفید است، از مساعدت مسؤولان محترم دانشگاه تشکر می‌کنم. استاد گرامی راهنمای پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

جناب آقای دکتر ناصر الهی در همه زمینه‌ها یاورم بوده‌اند، ایشان در کنار راهنمایی‌های ارزنده، اولین ویرایش را به عنوان استاد راهنما انجام داده‌اند. جناب آقای دکتر یدالله دادگر ضمن ارائه مشورت‌های تکمیل‌کننده، این پژوهش را با ویرایش علمی و ادبی خویش آراسته‌اند. از انتقادات شایسته جناب آقای مجید رضایی در مقام استاد داور بهره برده‌ام. جا دارد که از توجه ویژه استاد محمدرضا حکیمی به این اثر و اصلاحات و ویرایش‌های ایشان، و پاسخ‌های مناسبی که به سؤالات مطروحه داده‌اند سپاس ویژه داشته باشم. از همه اساتید محترم و نیز دوستانی که در تکمیل این پژوهش همیاری داشته‌اند، به خصوص ناشر محترم و صفحه‌آرای گرامی جناب آقای محمّدجواد اسلامی صمیمانه متشکرم. اگر نبود صبر و حمایت خانواده گرامیم و به ویژه حمایت‌های روحی و معنوی پدر و مادر عزیزم این اثر به ثمر نمی‌رسید، از این رو از جهات بسیاری مدیون ایشان هستم و از آنها قدردانی می‌نمایم.

عدالت مفهومی است که بشر حتی قبل از ظهور سپیده دم تمدن نیز می‌شناخته است، و انسان خود را در درون مجموعه منظم و هدفمندی از هستی ملاحظه می‌کرده و آنچه حاکم بر این نظم طبیعی می‌دیده عادلانه می‌دانسته است. عدالت به معانی قسط، دادگستری، مساوات و انصاف استعمال می‌شود (خلیل جبر، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۳۰) به نظر می‌رسد محتوای عینی عدالت تا حدودی از تغییر خط‌مشی‌ها و امکانات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی و تحول تاریخی متأثر می‌شود، از این رو تعیین معیاری قابل قبول برای آن با مشکلاتی مواجه است؛ چراکه برای تحقق عدالت باید جزئیات مرتبط با خصلت‌ها و ویژگی‌های افراد و جوامع را شناخت، که ناممکن به نظر می‌رسد. بنابراین محتوای عدالت اجتماعی به طور خاص مفهومی سیال و ذهنی است. یک مثال در این رابطه مقوله بردگی است که در دوره‌هایی از تاریخ رواج داشته است.^(۱) اکنون با نفی بینش ابزارگونه نسبت به آدمی بردگی کاملاً

۱. پدیده بردگی از آغاز شکل‌گیری تمدن‌های شرق قدیم (چیم، مصر، ایران و هند قدیم) تا غرب قدیم (روم و یونان قدیم) و تا آزادی سراسری آنها در سالی ۱۸۶۲ میلادی (توسط ابراهام لینکن، شانزدهمین رئیس جمهور آمریکا)، کم و بیش ادامه داشته است. جالب توجه است که برده‌داری تا آن زمان چنان نهادینه شده بود که بسیاری از بردگان پاورشان شده بود که حق و عدل آن است که همواره برده بمانند. لذا پس از اعلام آزادی، گروه‌هایی از آنها با گریه به اربابان سابق مراجعه کرده و تقاضای ادامه بردگی داده بودند.

ناعادلانه شمرده می‌شود. در هر صورت همان گونه که در اخلاق باید عرف پاکان و پرهیزکاران مبنا قرار گیرد، مفهوم عدالت را نیز باید در نوشته‌های منصفان و دادگران جستجو نمود. این نوشتار در صدد است به بررسی و مقایسه معیار عدالت اقتصادی در اندیشه جان رالز (به عنوان یکی از متفکرین نظام سرمایه‌داری) و محمدرضا حکیمی (به عنوان یکی از صاحب‌نظران و اندیشمندان مسلمان) بپردازد.

در اقتصاد، عدالت اقتصادی، بیشتر در مباحث اقتصاد رفاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریات توزیع درآمد به دو بخش اثباتی و دستوری تقسیم می‌شود، که هر یک توزیع درآمد را به دو شکل دنبال می‌کنند، یکی توزیع درآمد مبتنی بر عوامل است و دیگری توزیع مقداری درآمد می‌باشد. تمرکز اصلی این مطالعه، بیشتر در بعد دستوری و در مقوله توزیع مقداری درآمد متمرکز است. در زمینه عدالت اقتصادی به طور کلی بروز عملی سه نگرش را می‌توان تفکیک نمود، ابزار محور، فرایند محور، و نتیجه محور. ۱- نظریات با رویکردهای ابزار محور^(۱) تحقق عدالت را منوط به برقراری شرایط عادلانه در امکانات و ابزار و فرصت‌های اولیه و برابری همگانی در برابر قانون می‌دانند. ۲- رویکرد فرایند محور^(۲) عدالت اقتصادی را به ساختار روابط و فرایند فعالیت‌های تولیدی و توزیعی و روشی که افراد برای سلطه به اموال خود به کار می‌برند مرتبط می‌سازند. و سرانجام ۳- رویکردهای نتیجه محور یا غایت‌نگر^(۳) عدالت را صفت نهایی نظام می‌شمارند، و در این مسیر به بررسی نتایج حاصل از سیاست‌های توزیعی می‌پردازد (Musgrave, 1980 & Rosen, 2005).

دربارۀ معیارهای عدالت اقتصادی و نقش توزیعی دولت در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به طور کلی چهار نگرش قابلیت‌گرایان، مطلوبیت‌گرایان، تساوی‌گرایان و نگرش‌های ترکیبی وجود دارد (ماسگریو، ۱۳۷۲ - ۱۲۰ - ۱۲۵). جان رالز (۱۹۲۱ - ۲۰۰۲) از

1. Means Oriented Approach.

2. Process Oriented.

3. End Oriented.

جمله اندیشمندان مکتب سرمایه‌داری است، که به نوعی در شمار تساوی‌گرایان قرار داده می‌شود که در عین تساوی‌گرایی به مبانی لیبرالیسم پایبند است و یک اقتصاددان فردگرا به حساب می‌آید. وی متأثر از فلسفه قراردادگرایی کانت و با روش قیاسی - تحلیلی به بیان تئوری خود پرداخته است، تازگی نظریه او از این جهت است که فردگرایی (توجه به حقوق فردی مبتنی بر اندیشه کانت) را با مساوات‌طلبی و وظایف اجتماعی درهم می‌آمیزد، که علاوه بر ایجاد تحول در علوم انسانی، منشا سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی جدیدی می‌شود. تئوری بیشینه‌سازی کمینه^(۱) او واکنش‌های گوناگونی در جوامع علمی داشته است، او در این جهت دو اصل را پی‌ریزی می‌نماید: اصل بیشینه آزادی برابر و اصل تفاوت، و با توجه به جهت‌گیری قراردادگرایانه سعی دارد اصول عدالت خود را عقلانی نماید، وی معتقد است که نابرابری در قدرت و ثروت وقتی عادلانه است که منجر به ایجاد مزایای جبرانی و منافع بین همه و بخصوص در جهت رفاه محروم‌ترین اعضای جامعه باشد. مطابق معیار رالز، رفاه اجتماعی تابع رفاه محروم‌ترین فرد جامعه می‌باشد، در نتیجه تابع رفاه اجتماعی به این شکل خواهد بود: $W = \min(u_1, u_2, \dots, u_n)$ که در صورت ثبات تولید، بیشینه کردن این تابع به برابری در سطوح مطلوبیت تمام اعضای جامعه منجر می‌شود. رالز، متأثر از فلسفه اخلاق کانتی نتیجه می‌گیرد که در موقعیت اولیه دو اصل انتخاب می‌شود. با «نظریه ظریف خیر» دو اصل عدالت تکامل می‌یابد، که این اصول اهداف و ارزش‌های خاصی را موجب می‌شوند، و این دو اصل منجر به «نظریه کامل خیر» می‌شوند، در راه تحقق اصول عدالت، رالز برای دولت چهار وظیفه تخصیص، تثبیت، انتقال و توزیع را قایل است که دو وظیفه انتقال (تضمین حداقل رفاه) و توزیع (حفظ توزیع منصفانه درآمد و ثروت) از معیار عدالت او برآمده است.

شاید بتوان در میان فقها دو نگرش کلی به عدالت اقتصادی را یافت، گروهی که

غالب فقها را شامل می‌شود، و در اندیشه آنان عدالت اقتصادی همان ادای واجبات (خمس و زکات و ...) و اجتناب از محرمات (ریا و قمار و ...) است، این دسته با نگاه فقهاتی صرف به عدالت اقتصادی توجه کرده‌اند. و برخی دیگر (به خصوص در قرون اخیر که اندیشه‌های اجتماعی اسلام بیشتر مورد توجه قرار گرفته است) علاوه بر توجه به فقه، از افق‌های دیگری (برون فقهی) به عدالت اقتصادی نگریسته‌اند، که از مهمترین نظریه پردازان این گروه می‌توان به مرتضی مطهری (با رویکرد حقوق طبیعی)، محمد رضا حکیمی (با رویکرد جمع‌گرایی اخلاق الزامی) و محمد باقر صدر (با رویکرد تلفیقی) اشاره کرد. تحقیق حاضر در میان صاحب نظران فوق، افکار محمد رضا حکیمی را به عنوان یک جمع‌گرای اخلاق الزامی مورد توجه قرار می‌دهد، عدالت اقتصادی در نظرگاه حکیمی اصلی اساسی در نظام‌سازی، و عنصری درخشان در منظومه تفکر اجتماعی است. آقای حکیمی از چارچوب‌های مذهبی و ارتباط انسان با خدا، با پشتوانه آیات و روایات، و روش فقهی و اجتهادی خاص خود، بخصوص در مجموعه گران قدر «الحیاه» معیار عدالت خویش را ارائه می‌دهد، ایشان با هدف قرار دادن عدالت اقتصادی به عنوان یک هدف والای اجتماعی که در راس همه اهداف قرار دارد، اصلاحات اقتصادی را مقدم بر اصلاحات سیاسی و فرهنگی می‌شمارد، و در این جهت به دو نتیجه اساسی می‌رسد:

- ۱- حرمت ذاتی کثرت مال (ثروت‌های تکثیری) صرف نظر از حرمت‌های عرضی.
- ۲- عدم مالیت مال تکثیری. که البته این نتایج با نگرش مشهور فقها، مبنی بر اکتفا به ادای واجبات (پرداخت خمس، زکات و ...) و احتراز از محرمات (ریا، قمار و ...) تفاوت آشکاری دارد، که عامل اساسی آن همان نگرش برون فقهی وی به مقوله عدالت است. ایشان رابطه مال با انسان و انسان با مال، را به پنج صورت تصویر می‌نماید: غنای تکثیری (فراوان‌داری) - غنای وافر - غنای کفافی (مشروع) - فقر (کم‌داری) - مسکنت (نداری)، در بین این پنج طبقه توجه اصلی وی به دو حالت افراط (غنای تکثیری) و تفریط (مسکنت) است، از این رو دو شاخص اصلی وی

برای تحقق عدالت عبارت است از: ۱- رفع تکاثر ۲- رفع فقر و مسکنت. از نظر حکیمی هدف غایی نظام اسلامی و معیار یگانه در احکام اقتصادی اسلام، عدالت به مفهوم توازن اقتصادی است، و البته اصل اساسی و نهایی مورد نظری، اصل تساوی است.^(۱) وی درباره وظایف حکومت اسلامی نتیجه می‌گیرد که با توجه به این که قوام جامعه بر اقامه عدل و رفع ظلم مترتب است، و اصل اقامه قسط بر همه اصول و قوانین حاکم است، حکومت اسلامی می‌تواند به طور مستقیم به نفع محرومان در توزیع دخالت‌کننده به تعدیل ثروت بپردازد.

www.ketab.ir

۱. البته اصل «تساوی» در مصرف، با جواز تفاوت در مالکیت به مقدار مشروع و محدود.